

دموکراسی غربی و اسلام



تتبع ونگارش:

امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و
مسؤل مرکز کلتوری دحقوق لاره- جرمنی

به فهم ما اسلام با دموکراسی مشکلی ندارد، ولی بالعکس این فهم معین غیر موجه دموکراسی است که با اسلام ایجاد مشکل میکند.

فهم درست و بجاء از دیموکراسی به معنای حاکمیت مردم و شناخت دقیق از اسلام مشاغل زیاد جهان امروز و سوء تفاهات را برطرف نموده و زمینه های زندگی باهمی کلتور های مختلف جهان را با ارزش ها مختلف معنوی شان در فضای صلح و زیست با همی، هماهنگی، تفاهم نیک تعقل و تدبیر مهیا ساخته و سبب جلوگیری دهها تراژیدی عصر امروز در جوامع بشری امروزی شده میتواند. رمز و کنه زنده گی و زندگی با سعادت، رفاه و زنده گی در صلح در همین فهم دقیق و درست از حدود و ثغور دموکراسی و حاکمیت مردم با در نظر داشت و مطابقت دادن آن با اولویت های ارزشهای جوامع مختلف بشری - ممکن است.

پیشنهاد من به متفکرین و تیورسن های مد افعین دموکراسی و علماء جهان اسلام روشن ساختن تعریف واضح، صریح و قابل فهم در مورد اسلام واقعی وهم در مورد فهم واضح روشن و صریح از دموکراسی امروزی، حدود و ثغور و روشن ساختن سفارش های شان برای عالم بشریت میباشد.

پیشنهاد مشخص من برای علماء و تیورسن های که خواهان تطبیق بدون چون و چرا دموکراسی و آزادی؟! در جهان اسلام اند، اینست که اگر زحمت نمیشود یکبار با دید واقعی، دین اسلام را با دقت تام مورد مطالعه قرار دهند، و از آن شناخت کامل بدست آرند. بعداً در جستجوی تطبیق نظریات دموکراتیک؟! خویش در جهان اسلام گردند.

من بیین باور و عقیده ام که اگر این دانشمندان از اسلام شناخت کامل و درک سالم بدست آرند خود به این نتیجه خواهند رسید که اسلام با دموکراسی که اینجا و آنجا زمزمه میشود، حدود و ثغور آن معلوم نیست، تعریف مشخص از آن نداریم - در جهان اسلامی با تصور که دارند قابل تطبیق و جمع نبوده و در نهایت از براه انداختن شعار تطبیق دموکراسی به آن نحوی که میشنویم و میبینیم در جهان اسلام و جامعه اسلامی و بخصوص کشور عزیز ما افغانستان دست بردار خواهند شد.

با این مقدمه مختصر و مؤجز میخوام معلوماتی و نظریات را در مورد دموکراسی غربی در جهان اسلام خدمت شما خوانندگان محترم بعرض برسانم.

داستان دموکراسی

تعریف دموکراسی:

دموکراسی اصلاً اصطلاح یونانی است و از ریشه "demos" به معنای مردم و کراسیا "cratia" یا "krato" به معنای حکومت اخذ شده و به معنای حکومت مردم می باشد.

دانشمندان برای دموکراسی معانی گوناگونی ارائه داشته اند . بطور یقین به همه صداقت خدمت شما به عرض میرسانم که من تا امروز نتوانستم به یک تعریف (اصطلاحی) روشن ، معین ، مشخص ، وفورمبلندی شده و تعریف که دارای حد و مرز مشخص (که مورد قبول همه باشد) از دموکراسی بدست آورم . هر یک از دانشمندان مطابق دید و ذوق خود ، مطابق پیش فرض های دایره فکری خویش تعریف اصطلاحی را از دموکراسی ارائه داشته اند .

علماء و دانشمندان که درباره دموکراسی تحقیق نموده اند ، هر یک به اعتباری خاص و از زاویه ای به آن نگریده و آن را به انواع و اقسامی تقسیم کرده اند .

به طور مثال (دیوید هلد) در تحقیقاتی که در مورد دموکراسی بعمل آورده است یازده نوع دموکراسی را برای عالم بشریت پیشکش نموده است که از جمله میتوان از : دموکراسی کلاسیک، دموکراسی حمایتی، دموکراسی تکاملی رادیکال، دموکراسی حقوقی و... نامبرد .

همچنان (سامونل هانتینگتون) امواج سه گانه برای دموکراسی بر می شمارد که هر کدام در زمانی ظهور نموده و (بر تراند راسل) در تحقیقات خویش شش نوع دموکراسی را بیان نموده است .

پس ملاحظه میفرمایید که در مورد دموکراسی معرکه ای از آرا و نظرات است که بسیار با هم متفاوت می باشد و حتی تحقیقات علماء نشان میدهند که در بسیاری از اوقات معانی متضاد را هم بیان داشته اند .

ظهور دموکراسی :

دانشمندان و علماء در تحقیقات که در مورد دموکراسی بعمل آورده اند به این نتیجه رسیده اند که آنچه بشر امروز در مورد دموکراسی میدانند فهم مکرکراسی اساساً سه مرحله پشت سر خود گذشتانده است ، تا اینکه دموکراسی امروزه بدین شکل به پختگی خویش رسیده است .

مرحله اول :

مرحله اول دموکراسی مرحله دموکراسی کلاسیک است :

این مرحله ای از دموکراسی تقریباً در حدود پنج قرن قبل از میلاد در آتن (پایتخت یونان) آغاز یافت . یکی از خصوصیت عمده دموکراسی کلاسیک در این بود که مردم دخالت مستقیم در امور حکومتی بدست داشتند . این شیوه از دموکراسی ابتدا در یکی از شهر های یونان مورد اجرا قرار گرفت مگر بعد از مدتی قبل از اینکه جنبه عملی دقیقی برای خود بگیرد ، بنابر عوامل متعددی منقرض گردید .

در این شیوه از دموکراسی ، همه مردم به جزء غلامان و افراد زیر بیست سال می توانستند در امور سیاسی حکومت مستقیماً دخالت داشته باشند .

این شیوه علاوه بر آن که مخالف قاطعانه فیلسوفان و اندیشمندان را به خود داشت ، در عمل مشکلات زیادی را در جامعه به بار آورد . بنابر همین منطق بود که دموکراسی کلاسیک چندان عمر طولانی نداشت و از بین رفت .

مرحله دوم :

با تزید و گسترش شهرها و محلات مسکونی و از جانب دیگر پیچیده تر شدن مسائل اجتماعی ، دموکراسی کلاسیک نقش خویش را آهسته ، آهسته از دست میدهد . چون دخالت مستقیم مردم در تمام همه امور جامعه و در همه ای از عرصه دولتی و اداری غیر ممکن و غیر عملی بود . بناً علماء بخاطر حل این بحران شکل دیگری از دموکراسی را مورد اجرا و مورد تطبیق قرار دادند . در این شکل از دموکراسی ، شیوه دخالت مردم در حکومت به وسیله انتخاب نمایندگان گوناگون (دموکراسی غیر مستقیم) صورت می گیرد .

این شیوه از دموکراسی تقریباً در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله در کشور ما افغانستان به شکل از اشکال تطبیق و مورد اجرا قرار میگیرد ، مردم در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری با در نظر داشت مشکلات معین سهم میگردند .

با تمام صراحت باید بعرض برسانم که در این نوع از دموکراسی دین مقدس اسلام کدام مشکل را نمی بیند ، البته با شرایطی ، چرا که اسلام برای حکام ، قانون گذاران و مجریان قانون شرایطی خاصی خود را دارد . بلی در جامعه اسلامی مردم انتخاب خویش و ارزش های خویش را دارند و آنرا انتخاب نموده و اولویت خواهند داد .

دین مقدس اسلام انتخابات را که در جهت تعیین رهبر وزعیم برای نظارت امور مسلمین براه انداخته میشود ، مخافت نه مینماید ، بلعکس آنرا تایید نموده و انتخابات را ابزار و وسیله میدانند که بوسیله آن میتوان اراده ملت را در تعیین زعیم و قاعد مسلمین جمع اوری و معلوم ساخت .

با صراحت باید گفت که : انتخابات به عنوان عالیترین مظهر حضور مردم در عرصه سیاسی و مهمترین مجرای تحقق حاکمیت مردم بحساب می آید .

رای دهنده در انتخابات ضمن رای دادن که عمل حقوقی- سیاسی محسوب می شود در حقیقت با برگزیدن نماینده و یا نمایندگان در اداره امور سیاسی جامعه خود مسقیماً مشارکت میکند . پیرویه انتخابات عبارت از پیرویه ای است که که اعضای یک مجتمع به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شکل دادن به سیاست عمومی کشور و امور مسلمین دخالت داده میشود .

برگزاری انتخابات احساس و مسئولیت نظام در مقابل خواست‌های جامعه را افزایش می‌دهد. انتخابات موجب افزایش احساس مسئولیت حاکمان در مقابل خواست‌های جامعه می‌شود

یکی از سفارشات مقدس دین مبین اسلام مشورت و هم‌اندیشی است که در همه ی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی به آن توصیه شده است. بعلت اهمیت مشورت در اسلام خداوند کریم سوره شورا را بر پیامبر وحی نمود تا بر این مسأله تأکید بیشتری داشته باشد. "و امرهم شوری بینهم؛ امور جامعه باید به شورا واگذار شود" (سوره شورا آیه: ۳۸)

همچنان پروردگار ما در سوره آل عمران آیه: ۱۵۹ میفرماید: «و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله»

«ای پیامبر، در کارها با مسلمانان مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی، بر الله توکل کن و اقدام نما.»

پیامبر گرامی اسلام در کارهای مهم اجتماعی با افراد بصیر و آگاه و دیندار و کسانی که مورد اعتماد او بودند مشورت و چاره‌اندیشی می‌فرمود و بهترین آرا را انتخاب می‌نمود و به مساعدت اصحاب کرامش به آن عمل می‌نمود.

در قرآن عظیم‌الشان هم فکری صمیمانه و مشورت کردن، یکی از نشانه‌های جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

«مومنان کارهایشان را با مشورت بین خودشان انجام می‌دهند»

و در نهایت امر انتخابات یعنی دخالت مستقیم مردم در سرنوشت کشور، و خداوند فرموده ما سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهیم مگر آنچه خودشان اراده کنند.

ولی نقطه را که می‌خواهم در این نوشته بدان تأکید نمایم اینست که:

تفاوت روش شکل‌گیری مشروعیت در حقوق اسلامی و حقوق مدرن (اروپایی) در آن است که در حقوق اروپایی، مشروعیت به وسیله مردم به اعتبار حاکمیتی که دارند، ایجاد می‌شود و ابزار اجرایی آن رای‌گیری و انتخابات و امثال آنهاست.

اما در حقوق اسلامی مشروعیت حاکمیت سیاسی به وسیله مردم مسلمان است که مردم مسلمان می‌توانند با ایجاد و پیشگیری ابزار اجرایی آن یعنی رای‌گیری و انتخابات و امثال آنهاست؛ مشروعیت را در روشنی احکام الهی، با رعایت از راه و دساتیر آیات قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم تعیین و انتخاب میدارند یعنی مسلمانان در جامعه اسلامی روشی را که خداوند متعال برای افراد و جوامع وضع کرده پیروی کرده و تصمیم خویش را در روشنی آن اتخاذ میدارند. بنابراین، مردم و نقش‌شان در ایجاد مشروعیت حاکمیت سیاسی متکی به اصول و قواعد الهی است. مرجع قانون‌گذاری نیز در چوکات همین دساتیر الهی عمل می‌دارد و به تفسیر از منابع اصلی دینی یعنی قرآن کریم، سنت پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم، اجماع امت و قیاس استفاده می‌برند.

مرحله سوم:

مرحله سوم دموکراسی عبارت از شکل و شیوه نو از دموکراسی است. این نوع از دموکراسی همین حالا در کشور های غربی رایج و معمول بوده است. این نوعی از دموکراسی تقریباً به مثابه ایدئولوژی بر جوامع غربی حاکم می‌باشد.

در این شکلی از دموکراسی دین را از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی منع می‌کنند و اجازه نمی‌دهند مجریان قانون در مقام اجرا صحبت از دین کنند. مهمتر از آن، در این شیوه هیچ‌گونه التزام و پای بندی به قوانین دینی وجود ندارد.

علماء و دانشمندان این نوع از دموکراسی را با رژیم لائیک و سکولار؛ رژیم که به هیچ وجه به دین اجازه نمی‌دهد که در شؤون سیاسی و اجتماعی دخالت داشته باشد، معرفی می‌دارند.

بر طبق این تفسیر تمام شؤون حکومت (اعم از قانون‌گذاری و اجرایی و عدلی) را از دین جدا پنداشته؛ یعنی به زعم اینها شرط دموکراتیک بودن سکولار و لائیک بودن است. اگر هم دینی باشد، جنبه شخصی دارد ارتباطی بین دین و جامعه و سیاست نیست و دین حق هیچ‌گونه دخالتی در امور اجتماعی ندارد.

اینها تأکید دارند که دین مسأله شخصی فرد بوده و می‌تواند هر وقت دلش خواست به مسجد رفته، نماز بخواند، روزه بگیرد، دین در تولد نوزاد، در مرده داری، در قبرستان ویا هم در مراسم عقد نکاح مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند. اما در حکومت و سیاست معیار مشروعیت قانون، رأی مردم، یا رأی اکثریت مدار اعتبار شمرده می‌شود.

در زیاتری از اوقات چنین وضع پیش می‌آید که بر اساس رأی اکثریت مردم بدترین قوانین را که بر خلاف دین و فطرت انسانی است، نیز به تصویب رسانید، و در جامعه به اجرا درآورد، اگر چه واقعاً و حقیقتاً رأی اکثریت در بسیاری موارد وجود ندارد، مثل ازدواج با هم جنس و ثبت رسمی آن در برخی کشورهای غربی و قانون سقط جنین که کلیسا با آن نیز مخالفت نموده است.

معماران و مفکرین این نوع از دموکراسی، اسلام را یک نظام پدرسالاری بشمار می‌آورند. از جمله مشهورترین مفکر و تیوریسن این نوع از دموکراسی بنی موریس (Benny Morris) دانشمند مشهور اسرائیلی است: او در همه ای مقالات و تحلیل های آکادمیک خویش با صراحت تام مینویسد که: «اسلام متضمن جهان است که در آن، حیات بشری ارزشی به اندازه ارزش در غرب ندارد و آزادی، دموکراسی، باز بودن فضاء و خلاقیت با چنین جهانی بیگانه‌اند».

ولی من خدمت خواننده گان محترم با تمام قوت بعرض میرسانم که فهم بنی موریس اسرائیلی در مورد شناخت از احکام دین مقدس اسلام بخطا رفته است.

دین اسلام دین است که در مسیر تکامل حرکت مینماید و تلاش و کوشش را تنها وسیله دستیابی به خیر و برکت و پیشرفت مادی و معنوی معرفی میکند.

دین اسلام دین است که با دگرگونی شرایط و اوضاع و احوال و تطور زمان و تغییر مکان قابل انطباق است و پاسخگویی نیاز های فطری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بطور خلاصه پاسخگویی نیاز های مادی و معنوی بشری است. دین اسلام دین است که تضمین کننده دنیا و آخرت است.

دین اسلام دینی است که بر علاوه بر برنامه های دقیق برای سعادت فردی، در بردارنده برنامه و اصول جامع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... می باشد. دین اسلام مختص به مسجد، نکاح و قبرستان نیست، بلکه دین اسلام در صحنه زندگی اجتماعی نیز حضور کامل دارد.

با صراحت تام گفته می توانیم که اسلام برای همه چیز و برای همه شئون و همه عرصه های زندگی طرح و پروگرام منظم و منطقی دارد.

در احکام مقدس اسلام، امور سیاسی و اجتماعی و عبادتی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و برای تمام این عرصه های زندگی دستاویز و رهنمایی های وجود دارد. فقه اسلامی مشتمل بر عبادات و معاملات است.

اسلام طرح منظمی برای زندگی و حکومت و حکومت داری دارد.

دین اسلام هم سیاست است و هم حکومت. اسلام یک حکومت است که یک جنبه اش حکومت سیاسی و جنبه دیگرش حکومت معنوی است. اسلام یک دین عبادتی- سیاسی است که در امور سیاسی اش عبادت منظم است و در امور عبادی اش سیاست.

در دین مقدس اسلام قاعده ای وجود دارد بدین معنی که دین اسلام همه راه ها و روش ها را که در خدمت تکامل و پیشرفت جامعه و عالم بشریت باشد، آنرا مورد تائید قرار میدهد بشرط آنکه **حلال اسلام را حرام قرار ندهد** و **حرام اسلام را حلال**. یعنی در آن چیزی که نص و حاکم اسلامی صراحت دارد ضرورت به اصطلاح استخاره تغییر صراحت حکم نیست و این تغییر جواز ندارد و حرام میباید. این بدان معنی نیست که همه دستاورد های جوامع بشری و انستیتوت های معین دموکراسی مورد تردید دین مقدس اسلام است. دموکراسی در جامعه اسلامی به مفهوم مراجعه به اراء عامه در چوکات شریعت اسلامی مورد تأیید دین مقدس اسلام است.

همانطوریکه که گفته آمدیم در دین اسلام حکم اسلامی به اساس **کتاب الله و سنت نبوی** استوار است و شارع و حاکمیت مطلق در دین اسلام از آن پروردگار است.

بنأ دین اسلام در همه عرصه های زندگی بشر اعم از امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و دخالت تام و مستقیم دارد و عقل و علم در سایه هدایات اسلامی مناسبات اقتصادی و سیاسی جامعه را سامان می بخشد.

اسلام، اساساً دین اجتماعی است و فقط به بعد (به ضم ب) فردی انسان توجه ندارد. این دین با اصول و ارزش های عالیش مطابق به حکم صریح قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم انسانها را به زندگی اجتماعی دعوت نموده و ارشادات خاصی در این زمینه به پیروان خویش ارایه داشته است.

در تفکر سکولاریستی، هدف دولت تلاش برای حفظ حاکمیت و ایجاد موازانه میان آزادی و عدالت است. یعنی این که چه باید کرد که آزادی های فردی محدود نشود و قدرت حاکمان چگونه کنترل شود که محل (به ضم میم و کسره خ) به آزادی افراد (آزادی که خودشان تفسیر می کنند) نباشند؟ در حالیکه انسان نورمال خوش است که در محدودیت های معین پدری، مادری، خواهری، بزرگی و خورد و یکسلسله چوکاتها و محدودیت های و ارزشها معین باشد.

اما در تفکر اسلامی، هدف از سیاست و حاکمیت، احیای دین و سنت های الهی، اقامه عدل، قسط انصاف است. اجرا و تطبیق قوانین الهی برای ایجاد امنیت و فراهم ساختن زمینه ای جهت رشد مادی و معنوی، و نجات انسان از تاریکی بسوی نور، اصلاح جامعه، مبارزه با بدعت ها ناروا، تعلیم و تربیه درست و سالم، احقاق (به کسر -) حقوق انسان بخصوص ضعفا و در نهایت دستیابی به فضیلت، کمال و معرفت است.

خداوند متعال می فرماید:

«قد جاءكم من الله نور و کتاب مبین، یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنه و یهدیهم الی صراط مستقیم» (مانده: 15-16)

«از جانب پروردگار نوری (که پیغمبر است و بینشهار روشن می بخشد) و کتاب روشنگری (که قرآن است و هدایت بخش انسانها است) به پیش شما آمده است.

خداوند به برکت آن، (کتاب) کسانی را به راههای امن و آمان (از ترس و هراس دنیا و آخرت) هدایت می کند که خواستار خشنودی او باشند، و با مشیبت و فرمان خود آنان را از تاریکی ها و ظلمت ها (کفر و جهل) بیرون می آورد و به سوی نور (ایمان و علم) می برد و ایشان را به راه راست هدایت و رهبری می کند.»

از دید اسلام حکومت وسیله است و نه هدف، و هدف از آن به کمال رساندن انسان است. هدف اسلام حفظ سیادت انسان بوده و هم توجه خویش را به حقوق بشر معطوف ساخته و رعایت آنرا واجب می داند.

آیات قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم اساس و تهاداب سیاست دین مقدس اسلام را تشکیل میدهد. اعتقاد و عمل برآن را جزئی از قلمرو ایمان و بخشی از مجموعه تعالیم اسلام و حیات یک مسلمان می شمارند. به

طوری که در تفکر قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم تفکیک اندیشه و عمل سیاسی از ایمان و اسلام، و از زندگی اجتماعی مسلمانان امکان پذیر نیست.

در قرآن عظیم الشان آیات متعددی بر این امر تاکید میدارد که وضع قانون و حاکمیت مطلق از آن پروردگار بوده و ما انسانها مجریان این قانون در روی زمین می باشیم.

1- «ان الحكم الا لله يقص الحق وهو خير الفاصلين» (انعام 57) فرمان جز در دست خدا نیست. خدا به دنبال حق می رود (و کار هایش برابر حکمت انجام میشود. لذا اگر خواست عذاب واقع می گردد و اگر نخواست عذاب واقع نمی شود) و او بهترین (قاضی میان من و شما و جدا کننده حق از باطل) است.

2- «له الحمد في الاولى والاخرة وله الحكم» (قصص 70)
(فرماندهی و داوری از آن اوست و به سوی او باز گردانده می شوید. (او خالق، او حاکم، او قاضی است).

3- «مالهم من دونه من وال» (رعد 11) (ولی هنگامیکه خدا بخواهد بلایی به قومی برساند هیچ کسی و هیچ چیزی نمی تواند آن را (از ایشان) برگرداند، و هیچ کس غیر خدا نمی تواند یاور و مدد کار آنان شود).

4- «ان الحكم الا لله امر الاتعبوا الا اياه ذلك الدين القيم» (یوسف 40)
(فرمانروایی از آن خدا است و بس (این، اوست که بر کائنات حکومت میکند و از جمله عقاید و عبادات را وضع می نماید). خدا دستور داده است که جز او را نپرستید. این است دین راست و ثابتی (که ادله و براهین عقلی و نقلی بر صدق آن رهبرند).

همچنان قرآن عظیم الشان هدایات خاصی را برای پیروان خویش هدایت فرموده است: و می فرماید: آنچه از حکومت که مخالف شرع است نباید از آنها اصلاً متابعت صورت گیرد، و حتی دین اسلام امر بر سر نگرانی و مقابله به همچو حکومت را نموده است:

بطور مثال خداوند پاک در (آیه: 60 سوره نساء) می فرماید: «یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت وقد امروا ان یکفروا به» (می خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند) (حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند؟!) و حال آنکه بدیشان فرمان داده شده است که (به خدا ایمان داشته و) و به طاغوت ایمان نداشته باشند).

و حتی قرآن در برخی از آیات پیروان خویش را به مقابله رودر رو در مقابل حکومت طاغوتی مخالف اسلام دعوت نموده است. از آنجمله میتوان از آیه 17 سوره نازعات که به حضرت موسی علیه السلام و وظیفه داد تا به مبارزه رودر رو با فرعون پردازد. «ذهب الی فرعون انه طغی» (به سوی فرعون برو که او سرکشی کرده و باغی می باشد).

همچنان قرآن عظیم الشان حکمران خویش را به پیروی از دین اسلام و احکام قرآنی دعوت نموده و حکام اسلامی که از این حکم اسلامی و هدایات صریح قرآن سرپیچی می نمایند آنان را قرآن: **فاسق، کافر و ظالم خطاب نموده اند:**

«ومن لم یحکم بما انزل الله فالنک هم الکافرون»، «الظالمون»، «الفاسقون» (مانند: 44، 45، 47) (و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده است قضاوت و داوری نکنند، آنان خود کافرند)، (ظالمند)، (فاسق).
قرآن عظیم الشان در خطاب به پیامبر اسلام می فرماید:

«انا انزلنا الیک الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما ارک الله» (نساء 105)
(ما کتاب) قرآن را که مشتمل بر حق و بیانگر هر آن چیزی که حق است) به حق بر تو نازل کرده ایم تا (مشعل راه هدایت باشد و بدان) میان مردم طبق آنچه خدا به تو نشان داده است قضاوت و داوری کنی.

همچنان در قرآن عظیم الشان از حکومت و رهبری و اعطای ملک و پادشاهی به برخی از پیامبران مانند: حضرت داود علیه السلام، سلیمان علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، لوط و... سخن به میان آمده است. که ذکر همچو داستان ها در قرآن خود مبین وحدت و عینیت عملی دین و سیاست است.

«یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی ...» (ص: 26) (ای داود ما تو را در زمین نماینده (خود) ساخته ایم (و بر جای پیغمبران پیشین نشان داده ایم) پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن).

«فقد ءاتینا ءال ابراهیم الکتاب والحکمة و ءاتینهم ملکاً عظیماً» (نساء: 54)
(ما که به حضرت ابراهیم علیه السلام کتاب (آسمانی) و پیغمبری و پادشاهی عظیمی داده ایم (مانند: سلطنت یوسف در مصر، و پادشاهی داود و سلیمان در شام).

همچنان قرآن عظیم الشان اطاعت از رسول و ولی امر را بر مسلمانان واجب نموده، می فرماید:
«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء 59) (ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا) محمد صلی الله علیه و السلام با تمسک به سنت او) اطاعت کنید. و از ولی الامر مسلمان خود فرمانبرداری و اطاعت نماید. (مادامیکه دادگر و حقیقاً بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشد).

با توجه به آیات قرآنی که فوقاً بدان اشاره بعمل آمد به وضاحت تام ثابت میگردد که در دین مقدس اسلام، دین و حکومت جدا ناپذیر بوده و حاکمیت مطلق از آن خدا می باشد.

در دین اسلام فقط يك قانون وجود دارد آن قانون الهی و آسمانی است. تلاش و کوشش تنها وسیله دست‌یابی به خیر و برکت و پیشرفت مادی و معنوی است. دین اسلام دین است که در مسیر تکامل حرکت مینماید.
دین اسلام دین است که با دگرگونی شرایط و اوضاع و احوال و تطور زمان و تغییر مکان قابل انطباق است و جوابگوی نیازهای فطری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بطور خلاصه پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی بشری است.

اصلاح زندگی دینوی و اخروی بشر، هردو مورد توجه دین اسلام بوده و هست، هرچند این دو هدف در طول یکدیگر قرار دارند و با یکدیگر تعارض و تضاد ندارند.
دنیا از دید دین مقدس اسلام مقدمه آخرت است و راه است نه مقصد. دین اسلام به این معتقد است که بدون اصلاح راه و تحمیل مقدم نمی‌توان به مقصد رسید و ذی المقدمه را بدست آورد. دین اسلام روش خاص برای زندگی دینوی است که مصلحت دینوی بشر را در جهت اكمال اخروی و حیات ابدی او تأمین میکند.
پایان

نام مقاله : دموکراسی غربی و اسلام

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

آدرس ارتباطی: بریبنسنا لیک : saidafghani@hotmail.com

جرمنی - نوامبر ۲۰۰۹